



مشارکت ۲۵ میلیونی مردم با یکوت انتخابات در رسانه‌های ضدانقلاب رادر هم شکست. وطن امروز نگاهی به عملکرد رسانه‌های ضدانقلاب در کمپین تحریم انتخابات ۱۱ اسفند داشته‌است

تحریم نشد، حالاتخریب

همزمان با پایان انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، بسیاری از کارشناسان همچنان در حال تحلیل رفتار مشارکت‌کنندگان هستند. تحلیل‌های بسیاری دربارهٔ نوع انتخابگری مشارکت‌کنندگان وجود دارد و برخلاف تصور جریان‌های برانداز که مشارکت را بسیار پایین تخمین می‌زدند، ۴۱ درصد واجدان شرایط در انتخابات اخیر شرکت کردند. ادعاهایی چون «شکاف اجتماعی»، «فروپاشی اجتماعی در ایران پس از حوادث ۱۴۰۱»، «بی‌اعتمادی گسترده» و «عبور از نظام سیاسی کابین بر کشور» از جمله روایت‌هایی بود که بین رسانه‌های ضدانقلاب به طور پررنگ و جدی دنبال می‌شد. چنان‌که مؤسسه «گمان» که در چندسال اخیر نیز بسیار مورداستنادجریان برانداز بوده، در آخرین نظرسنجی خود (انجام‌شده در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۲) مدعی شد میزان «مشارکت ایرانیان در انتخابات پیش رو»، بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است. شاید در لایه نخست به نظر برسد نظرسنجی صرفایک گمانه‌زنی روشمند از میزان مشارکت باشد اما واقعیت این است که بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان با استناد به همین نظرسنجی‌ها سعی می‌کنند راهبرد خود را سامان بخشند. از جمله جریان ضدانقلاب در انتخابات اخیر کاملاً منطبق با همین برآورد رفتار کرد. از جمله راهبردهایی که مستند به گمانه‌ها پیرامون مشارکت پایین در انتخابات روز جمعه، از سوی جریان ضدانقلاب موردتوجه

سیاسی

راهبرد سکوت خبری پیرامون یک مسئله کلیدی و سرنوشت‌ساز بر این محور تکیه دارد که هر کنشی توسط جریان ضدانقلاب موجب شکل‌گیری خط‌واکنشی در فضای رسانه‌های فعال در داخل ایران خواهد شد و این کنش و واکنش، موجب جلب توجه عمومی به مسئله انتخابات می‌شود. بخشی از این جریان استدلال می‌کرد از آن‌جا که عمده رسانه‌های داخلی رفتار پدافندی نسبت به رسانه‌های جریان ضدانقلاب دارند و برای شرایط آفندی و حتی بالاتر از آن یعنی شرایط ایجابی و مسئله‌سازی آماده‌ومتشکل نشده‌اند، در صورت سکوت خبری ضدانقلاب، این رسانه‌ها نیز کارکرد خود (یعنی پدافند) را از دست می‌دهند. لذا اگر کنشی رخ ندهد، واکنشی هم نخواهد بود و این راهبرد مانع جلب توجه عمومی به مسئله انتخابات می‌شود. استدلال دوم ضدانقلاب نیز این بود که هر نوع کنشی در فضای انتخابات به نفع نظام خواهد بود و این مسئله زمینه‌مشارکت را فراهم خواهد کرد تا شرایط تحریم و کاهش مشارکت را. چرا که با سکوت خبری، جامعه‌نیز بی‌تفاوت به مسئله انتخابات می‌شود. استدلال دوم ضدانقلاب نیز این بود که هر نوع کنشی در فضای انتخابات به نفع نظام خواهد بود و این مسئله زمینه‌مشارکت را فراهم خواهد کرد تا شرایط تحریم و کاهش مشارکت را. چرا که با سکوت خبری، جامعه‌نیز بی‌تفاوت به مسئله انتخابات می‌شود. استدلال دوم ضدانقلاب نیز این بود که هر نوع کنشی در فضای انتخابات به نفع نظام خواهد بود و این مسئله زمینه‌مشارکت را فراهم خواهد کرد تا شرایط تحریم و کاهش مشارکت را. چرا که با سکوت خبری، جامعه‌نیز بی‌تفاوت به مسئله انتخابات می‌شود. استدلال دوم ضدانقلاب نیز این بود که هر نوع کنشی در فضای انتخابات به نفع نظام خواهد بود و این مسئله زمینه‌مشارکت را فراهم خواهد کرد تا شرایط تحریم و کاهش مشارکت را. چرا که با سکوت خبری، جامعه‌نیز بی‌تفاوت به مسئله انتخابات می‌شود. استدلال دوم ضدانقلاب نیز این بود که هر نوع کنشی در فضای انتخابات به نفع نظام خواهد بود و این مسئله زمینه‌مشارکت را فراهم خواهد کرد تا شرایط تحریم و کاهش مشارکت را.

نداشت؟ جریان ضدانقلاب سال‌هاست از بدنه جامعه ایرانی فاصله گرفته و توانایی تجزیه‌وتحلیل بدنه جامعه ایرانی را از دست داده‌است. رسوایی عوامل آن‌ها در حوادث ۱۴۰۱ نیز مزید بر آن شد که این جریان عمده منابع داخلی خود را نیز از دست بدهد و دچار توهم شناختی شود. علاوه بر آن این جریان به‌طور کلی فراموش کرده‌است که میدان عمل در دست دستگاه‌های اجرایی نظام قرار دارد و آن‌ها می‌توانند در کمترین زمان ممکن در دوره‌افتاده‌ترین نقاط ایران جریان‌سازی کنند، البته این جریان جدا افتاده از بدنه عمومی ایران، دچار توهم‌های بسیار دیگری هم شده‌است، چنان‌که تشخیص معتبرترین مؤسسه آن‌ها (یعنی مؤسسه گمان) بر این بوده‌است که ۷۳/۵ درصد ایرانی‌ها قصد شرکت در انتخابات را ندارند و همه این افرادی که قرار نیست در انتخابات شرکت کنند، میل به براندازی نظام دارند! این نشان‌دهنده خطای فاحشی محاسباتی آن‌هاست. در گزارش «نسل‌جاودان در میدان» که فردای انتخابات در «وطن امروز» نوشته‌شد، تأکید کردیم «جریان ضدانقلاب بدنه مشارکت‌کننده احتمالی خود را از دست داده و مشهود است که اغلب این جریان‌ها این‌نکته را کاملاً نادیده می‌گیرند که بدنه احتمالی آن‌ها به دلیل «عدم تجربه مشارکت» تئیل و از کار افتاده‌شده‌است، در حالی که بدنه حامی انقلاب اسلامی طی دهه‌های مختلف راه‌های جذب عمومی را به‌خوبی آموخته و در موارد متعدد نیز از آن بهره برده‌است». مسئله جدی بعد، خطای محاسباتی این جریان پیرامون انفعال رسانه‌های داخلی است. این جریان با گمان آن که رسانه‌های داخلی ایران در پی سکوت آن‌ها منفعل می‌شوند، سکوت خبری در پیش گرفت اما رسانه‌های داخلی موفق بودند نمایش تامی از اطلاع‌رسانی برای افکار عمومی به‌نمایش بگذارند، البته ما نیز شاهد افول برخی رسانه‌ها در این انتخابات بودیم و حتی برخی از جریان‌ها را شاهد بودیم که به‌سختی‌ترین پیام‌های ضدانقلاب واکنش نشان دادند. چرا که توان ایجاد موج و مسئله برای جامعه ایرانی را نداشتند، اما بر ایند کلی رفتار رسانه‌های داخلی کاملاً مثبت ارزیابی می‌شود. در این انتخابات نشان داده شد بدنه عموم مردم از رسانه‌های ضدانقلاب عبور کرده‌است. اگر روزگاری این رسانه‌ها برای تشکیل کلونی‌های آشوب و آتارشیسم در ایران کارکرد داشتند حال به دلیل بی‌اعتمادی گسترده جامعه و دروغ‌های مکرر این رسانه‌ها، کارکردشان نه این‌که از بین رفته، بلکه تضعیف شده‌است.

صف‌کشی‌پسا انتخاباتی

اعتماد: نشستن نام‌هایی چون نبویان، ثابتی و حمید رسایی قبل از محمد باقر قالیباف در اس لیست فاتحان انتخابات تهران، نشان دهنده عصر تازه‌ای است که زین پس جریان راست با آن مواجه خواهد شد

اما در مواجهه با طیف‌های تندروتر این جناح، قابل توجه نیست. گروه‌های افراطی جناح راست که خود را فاتح اکثر آوردگاه‌های سیاسی از سال ۹۸ به این سو می‌دانند و سیطره خود را بر نهادهایی چون دولت، مجلس، شهرداری تهران و اغلب ساختارهای مدیریتی کشور مستدام داشته‌اند، در غیاب اصلاح‌طلبان به دنبال پالایش و تسویه در جریان اصولگرایی هستند. نشانه‌های این انشعاب و پالایش را در ایجاد لیست‌های گوناگون انتخاباتی میان طیف‌های اصلی جناح راست و تخریب برخی نام‌آوران جناح راست به‌عینه می‌توان مشاهده کرد. عبدالرضا داوری، فعال سیاسی اصولگرا این فضای تخریبی را این گونه شرح می‌دهد: «موج تخریبی که در این انتخابات علیه قالیباف برپا شد، در تاریخ معاصر ایران بی سابقه‌است، حتی بیش از حجم تخریب هاشمی رفسنجانی در سال ۷۸. زندگی سیاسی قالیباف به قبل و بعد از ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ تقسیم می‌شود و نتیجه انتخابات هر چه باشد، او از ۱۲/۱۲/۱۴۰۲، قالیبایی دیگر است.» معنای «قالیبایی دیگر» در واقع تغییرات بنیادینی در بطن جریان راست را نوید می‌دهد. در کنار این موضوع، نشستن نام‌هایی چون محمود نبویان، امیرحسین ثابتی و حمید رسایی قبل از محمدباقر قالیباف در اس لیست فاتحان انتخابات تهران، نشان‌دهنده عصر تازه‌ای است که زین پس جریان راست با آن مواجه خواهد شد. عصری که برخی تحلیلگران از آن با عنوان آغاز دوران حاکمیت اسلامی به جای جمهوری اسلامی یاد کرده‌اند.

■ **آغاز عصر حکومت اسلامی؟**

قرار گرفتن ۳ شاگرد آیت‌ا... مصباح در

فرسان روزنامه صبح ایران

«صدای ملت» و درس‌هایش

مهر: علی مطهری و لیست «صدای ملت» با این که نتوانستند سهمی حتی در دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته باشند، لیکن موفق شدند فضای رای ندان در جبهه معترضین را تا حد زیادی بشکنند



«پس زمینه فرهنگی» بیشتری به خود گرفت، علی مطهری با القوه نمی‌توانست گزینه جذابی برای هواداری باشد. با همه این موانع، علی مطهری می‌توانست مانند بسیاری از چهره‌های نزدیک به جریان مدعی اصلاحات، عافیت پیشه کند و کنار گود بنشیند و صرفاً غُر بزند؛ لیکن او وسط آمد و بدون حمایت تا آخر ماند. ذکر این نکته نیز ضروری است که مطهری هیچ‌گاه به لحاظ تشکیلاتی و حتی ایدئولوژیک، عضو جریان مدعی اصلاحات نبوده لیکن در برخی مقاطع خاصه در مجلس نهم، اصلاح‌طلبان کوشیدند با مصادره او، علیه «جریان متصل به دولت وقت» در آن مجلس، جبهه‌سازی کنند. علی مطهری و «صدای ملت» هر چند برای دور دوم مجلس هم سهمی ندارند اما توانستند با حضورشان در حوزه تهران، انتخابات را رنگ و لعاب متفاوتی ببخشند. در شرایطی که اپوزیسیون برانداز و دنباله‌های آن‌ها در داخل، شبانه‌روز برای تحریم انتخابات تلاش کردند، مطهری با جسارت قدم جلو نهاد و تا آخر انتخابات در صحنه باقی ماند. البته، پیشنهاد ما به علی مطهری آن است که در جهت حفظ و ارتقای جمع «صدای ملت» بکوشد و با وجود بغرنجی امر تحزب در ایران، پایه‌های یک تشکیلات تأثیرگذار در آینده را بنیان نهد. باید به علی مطهری خداقوت گفت!

انتخابات پایان یافت و تکلیف منتخبین مجلس دوازدهم و نامزدهای راه‌افته به دور دوم معلوم شد. در میان کنشگری جریان‌ها و نخله‌های مختلف سیاسی اما نباید از موقعیت خاص لیست «صدای ملت» و شخص «علی مطهری» در این انتخابات غافل شویم.

مطهری در شرایطی پا به عرصه انتخابات نهاد و سر لیست فهرست «صدای ملت» شد که بسیاری بر این باور بودند که این فهرست، در واقع محصول ائتلاف پشت‌پرده جریان موسوم به اعتدالی با «بلوک مشارکت‌طلب» در جبهه اصلاح‌طلبی بود؛ مطهری البته همه این تحلیل‌ها و گمانه‌ها را رد و تصریح داشت که این فهرست، از اساس مستقل است. فارغ از باورپذیر بودن یا نبودن ادعای مطهری مبنی بر استقلال لیست «صدای ملت»، موضوعی که بیشتر باید نظر ما را به خود جلب کند، اقدام شجاعانه مطهری برای شرکت در انتخابات، آن هم با عنوان سر لیست یک «فهرست لحظه آخری» بود. «صدای ملت» با اینکه مشتمل بر اجتماعی از سلاقی گوناگون و البته کمتر شناخته‌شده برای افواه عمومی بود، اما نفس حضور این لیست در میدان انتخابات قابل قدر دانی است؛ آن هم در شرایطی که تندروهای جریان مدعی اصلاحات از ماه‌ها قبل بر کوس عدم مشارکت در انتخابات کوبیدند و خواستار رای ندادن شدند. فشار سنگین تندروهای جریان اصلاحات برای رای ندادن، در کنار وضعیت ویژه «صدای ملت» و صد البته دل‌زدگی پایگاه اجتماعی اصلاحات از جریان مدعی اصلاح‌طلبی، تکلیف این فهرست را تا حد زیادی مشخص کرده بود؛ بدین معنا که فهرست مطهری شانس چندانی برای رقابت با سایر سیاهه‌ها نداشت و نتیجه انتخابات، این را به عینه نشان مان داد. سران جریان اصلاحات –جز گروهی محدود و معدود– ترجیح دادند از مطهری و لیست او حمایت قطعی و قاطع به عمل نیاورند؛ البته علت عدم حمایت رسمی سران اصلاحات از لیست مطهری را می‌شود بیشتر به مواضع فرهنگی او نسبت داد.

ناظران اهل فن، مطهری را از منظر سیاسی، نزدیک به جریان اصلاحات اما از منظر فرهنگی، بعید از این جریان می‌دانند. با توجه به رادیکالیسم مبتلا به در جریان اصلاحات که پس از اغتشاشات پارسال، در انتخابات پایان یافت و تکلیف منتخبین مجلس دوازدهم و نامزدهای راه‌افته به دور دوم معلوم شد. در میان کنشگری جریان‌ها و نخله‌های مختلف سیاسی اما نباید از موقعیت خاص لیست «صدای ملت» و شخص «علی مطهری» در این انتخابات غافل شویم. مطهری در شرایطی پا به عرصه انتخابات نهاد و سر لیست فهرست «صدای ملت» شد که بسیاری بر این باور بودند که این فهرست، در واقع محصول ائتلاف پشت‌پرده جریان موسوم به اعتدالی با «بلوک مشارکت‌طلب» در جبهه اصلاح‌طلبی بود؛ مطهری البته همه این تحلیل‌ها و گمانه‌ها را رد و تصریح داشت که این فهرست، از اساس مستقل است. فارغ از باورپذیر بودن یا نبودن ادعای مطهری مبنی بر استقلال لیست «صدای ملت»، موضوعی که بیشتر باید نظر ما را به خود جلب کند، اقدام شجاعانه مطهری برای شرکت در انتخابات، آن هم با عنوان سر لیست یک «فهرست لحظه آخری» بود. «صدای ملت» با اینکه مشتمل بر اجتماعی از سلاقی گوناگون و البته کمتر شناخته‌شده برای افواه عمومی بود، اما نفس حضور این لیست در میدان انتخابات قابل قدر دانی است؛ آن هم در شرایطی که تندروهای جریان مدعی اصلاحات از ماه‌ها قبل بر کوس عدم مشارکت در انتخابات کوبیدند و خواستار رای ندادن شدند. فشار سنگین تندروهای جریان اصلاحات برای رای ندادن، در کنار وضعیت ویژه «صدای ملت» و صد البته دل‌زدگی پایگاه اجتماعی اصلاحات از جریان مدعی اصلاح‌طلبی، تکلیف این فهرست را تا حد زیادی مشخص کرده بود؛ بدین معنا که فهرست مطهری شانس چندانی برای رقابت با سایر سیاهه‌ها نداشت و نتیجه انتخابات، این را به عینه نشان مان داد. سران جریان اصلاحات –جز گروهی محدود و معدود– ترجیح دادند از مطهری و لیست او حمایت قطعی و قاطع به عمل نیاورند؛ البته علت عدم حمایت رسمی سران اصلاحات از لیست مطهری را می‌شود بیشتر به مواضع فرهنگی او نسبت داد.

ناظران اهل فن، مطهری را از منظر سیاسی، نزدیک به جریان اصلاحات اما از منظر فرهنگی، بعید از این جریان می‌دانند. با توجه به رادیکالیسم مبتلا به در جریان اصلاحات که پس از اغتشاشات پارسال، در انتخابات پایان یافت و تکلیف منتخبین مجلس دوازدهم و نامزدهای راه‌افته به دور دوم معلوم شد. در میان کنشگری جریان‌ها و نخله‌های مختلف سیاسی اما نباید از موقعیت خاص لیست «صدای ملت» و شخص «علی مطهری» در این انتخابات غافل شویم. مطهری در شرایطی که اپوزیسیون برانداز و دنباله‌های آن‌ها در داخل، شبانه‌روز برای تحریم انتخابات تلاش کردند، مطهری با جسارت قدم جلو نهاد و تا آخر انتخابات در صحنه باقی ماند. البته، پیشنهاد ما به علی مطهری آن است که در جهت حفظ و ارتقای جمع «صدای ملت» بکوشد و با وجود بغرنجی امر تحزب در ایران، پایه‌های یک تشکیلات تأثیرگذار در آینده را بنیان نهد. باید به علی مطهری خداقوت گفت!

«فرهیختگان» ترکیب مجلس را تشریح و ساخت قدرت در مجلس دوازدهم را بررسی کرد

اقلیت اصلاح طلب، تکثرگرایی در جریان اصولگرا

اختصاصی‌شانا	۱۸%
نمایندگان مستقل	۱۵.۱%
اختصاصی اصلاح طلبان	۱۵%
مشتربک بین شانا و امنا	۱۳%
اصولگرایان بیرون فهرست	۱۱%
اختصاصی امنا	۶.۱%
مشتربک بین امنا و صبح ایران	۴.۹%
اختصاصی صبح ایران	۴.۵%
مشتربک بین هر ۳ لیست اصولگرا	۳.۲۶%
مشتربک بین شانا و صبح ایران	۲.۴۴%
نمایندگان اقلیت‌های دینی	۳%
مشتربک بین اصلاح طلبان و امنا	۱.۲۳%
مشتربک بین اصلاح طلبان و شانا	۱.۲۳%
شورای وحدت	۰.۸%
مشتربک بین شورای وحدت و صبح ایران	۰.۸%
مشتربک بین اصلاح طلبان و صبح ایران	۰.۴%

با پایان شمارش آرای دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از مجموع ۲۹۰ کرسی تکلیف ۲۴۵ کرسی مشخص شد و برای ۴۵ کرسی باقی‌مانده کاندیداهای ۲۱ حوزه باید در دور دوم به رقابت بپردازند. بیشترین کرسی بالاتکلیف در این دور به‌ویژه به حوزه انتخابیه شهر تهران است که در آن ۳۲ نامزد برای کسب ۱۶ صندلی نهایی باید در دور دوم به رقابت بپردازند. اگرچه در بین فهرست‌هایی رویکرد حضور پیدا کرده بودند باید همه اصلاح‌طلبان را در یک گروه دسته‌بندی کرد و تفکیک اصولگرایان را مورد توجه قرار داد. در بین گروه‌های سیاسی فعال میان اصولگرایان کمترین سهم را شورای وحدت کسب کرد. این ائتلاف سیاسی از مجموع ۲۴۵ کرسی تعیین تکلیف شده تنها ۴ کرسی را به خود اختصاص داد. این درحالی‌است که علیرضا بابایی و منوچهر متکی علاوه بر حضور در شورای وحدت به کسب پیروزی می‌شدند. به تعبیری در برخی حوزه‌ها این افراد بودند که فهرست‌ها اعتبار بخشیدند نه برعکس. وجود اشتراکات بسیار و همچنین تکثر در جریان های سیاسی حاضر در مجلس کار را برای پیش‌بینی موضع نامزدها در مورد انتخاب هیئت رئیسه و روسای کمیسیون‌ها سخت کرده و وجود ائتلاف‌های منسجم را نیز به چالش می‌کشد. می‌توان گفت مجلس دوازدهم صرفاً عرصه نزاع سیاسی گروه‌ها نخواهد بود و کنش افراد نیز در آن بسیار مؤثر است.